

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی

عنوان پایان نامه

آیین دادرسی و تحولات آن در دوره ایلخانیان

استاد راهنما
دکتر شهرام یوسفی فر

استاد مشاور
دکتر پروین ترکمنی آذر

پژوهشگر
فرزانه شمسایی

شهریورماه ۱۳۹۳

قطع این مرحله بی‌همری خضر مکن ظلمات است بترس از خطر کمرای

تشکر صمیمانه و فراوان دارم از استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر شهرام یوسفی‌فر که در تمامی مراحل، از انتخاب موضوع تا انجام تحقیق و دفاع از پایان‌نامه، بارها بنی‌های دقیق و دلسوزانه می‌نمود، مراد بخارش رساله یاری نمودند. بی‌شک بدون وجود ایشان انتخاب موضوعی چنین جالب توجه که علاوه بر دانشجویان و محققین این حوزه، برای دستاناران و علاقمندان به علم و ادب و تاریخ این مرز و بوم نیز بسیار خوانی می‌ناید امکان پذیر نبود.

تشکر می‌کنم از استاد محترم مشاور، سرکار خانم دکتر پروین ترکمنی‌آذر و استاد محترم داور، جناب آقای دکتر مجتبی خلیفه که از نظرات ایشان بهره‌بردم و مراد پیشبرد این پژوهش و بهبود آن یاری رسانند.

تقدیم بہ

پدر و مادر عزیزم

چکیده

تأثیر و پیامدهای هجوم مغولان به ایران بر جنبه‌های گوناگون حیات فکری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و حکومتداری ایرانیان امری است که مورد توجه شمار زیادی از پژوهش‌ها قرار گرفته است. در این میان موضوعات مربوط به حوزه قضایی و به ویژه آیین دادرسی در ایران دوره ایلخانی کم‌تر مورد بررسی‌های دقیق و مستند قرار گرفته است. یکی از عرصه‌های مهم متأثر از ایلغار مغول، آیین دادرسی بوده است به ویژه این‌که از منظر اندیشه، آرمان، بنیان و اصول و ساختار، به رغم برخی شباهت‌ها، تفاوت‌های بسیاری میان آیین دادرسی ایرانی - اسلامی و مغولی وجود داشته است که از وجوه آشکار آن می‌توان به تفاوت‌های بارز میان قرآن و سیره نبوی با یاسا و بیللیکات چنگیزی به مثابه منابع اصلی در آیین دادرسی در دو نظام مذکور اشاره کرد.

این پژوهش در صدد بررسی این مسئله است که در جریان رویارویی دو آیین دادرسی مغولی و ایرانی - اسلامی و اصلاحاتی که پیامد ضروری آن بوده، الگو و آیین دادرسی که در نهایت پس از اصلاحات مستقر شد، بیشتر از آیین دادرسی ایرانی - اسلامی متأثر بود یا آیین دادرسی مغولی؟ در این راستا باید به پرسش‌هایی نظیر «آیین دادرسی ایرانیان و مغولان در دوره پیش از ورود مغولان به ایران چگونه بود؟»، «زمینه‌های تزاخم و تضاد بین دو آیین دادرسی ایرانی - اسلامی و مغولان و پیامدهای آن چه بود؟» و «اصلاحات قضایی در زمینه دادرسی چه الگوی نهایی را در ایران مستقر کرد؟» پاسخ داد که لازمه‌ی آن بررسی نظام قضایی ایران از دوره باستان تا خوارزمشاهیان از یک سو و نظام قضایی مغولی از سوی دیگر است. ناهمسازی آیین دادرسی مغولی با نظام قضایی ایرانی - اسلامی همراه با رویکرد حکمرانان مغول در گرویدن به دین و فرهنگ اتباع ایرانی، ایجاد اصلاحاتی را ایجاب نمود.

در این پژوهش به شیوه آرشیوی و کتابخانه‌ای به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته شده و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: آیین دادرسی، حقوق، ایلخانیان، نظام قضایی ایرانی - اسلامی، نظام قضایی مغولی.

فهرست

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۱
فصل اول: کلیات	۳
۱.۱) موضوع تحقیق	۴
۱.۲) سؤال‌های پژوهش	۷
۱.۳) فرضیه‌های پژوهش	۷
۱.۴) روش تحقیق	۸
۱.۵) اهمیت پژوهش	۸
۱.۶) ضرورت پژوهش	۹
۱.۷) اهداف پژوهش	۹
۱.۸) قلمرو پژوهش	۹
۱.۹) موانع پژوهش	۱۰
۱.۱۰) رویکرد نظری تحقیق	۱۱
۱.۱۱) تعریف مفاهیم	۱۲
۱.۱۲) پیشینه پژوهش	۱۳
۱.۱۳) سازمان تحقیق	۱۵
۱.۱۴) معرفی منابع و مآخذ	۱۶
۱.۱۴.۱) منابع	۱۶

۲۱	فصل دوم: پیشینه موضوع، آیین دادرسی ایرانی - اسلامی
۲۲	(۲.۱) میراث قضایی و دادرسی دوره باستان ایران
۲۷	(۲.۱.۱) آیین دادرسی
۳۲	(۲.۱.۲) ساختار و مناصب قضایی
۳۵	(۲.۱.۲.۱) ساختار دیوان دادرسی
۳۶	(۲.۱.۳) گزارش یک محکمه مهم دوره ساسانی
۳۷	(۲.۲) قضا و دادرسی در دوره اسلامی
۳۸	(۲.۲.۱) صدر اسلام
۴۷	(۲.۲.۱.۱) سنت رایزنی در امر قضاوت
۴۸	(۲.۲.۱.۲) اصول بنیادین حقوق دادرسی در اسلام
۴۹	(۲.۲.۱.۳) قضاوت اسلامی در مسیر نهادسازی؛ مکتب قضاوت کوفه
۵۰	(۲.۲.۱.۴) تحولات
۵۱	(۲.۲.۲) دوره امویان
۵۱	(۲.۲.۲.۱) ساختار و مناصب قضایی
۵۴	(۲.۲.۲.۲) آیین دادرسی
۵۶	(۲.۲.۲.۳) تحولات
۵۷	(۲.۲.۳) دوره عباسی
۵۷	(۲.۲.۳.۱) ساختار و مناصب قضایی
۵۹	(۲.۲.۳.۱.۱) نهاد قاضی القضاتی

۶۱	۲.۲.۳.۱.۲) اعضای محکمه
۶۳	۲.۲.۳.۱.۳) نظام قضایی عباسی و مولفه مذهب
۶۵	۲.۲.۳.۲) آیین دادرسی
۷۲	۲.۲.۳.۳) تحولات
۷۵	۲.۲.۳.۴) تاثیرپذیری نظام قضایی عباسی از ساسانی
۷۵	۲.۲.۳.۴.۱) دیوان مظالم اسلامی و الگوگیری آن از مابه‌ازای ساسانی
۷۸	۲.۲.۴) قضا و دادرسی در حکومت‌های مستقل ایرانی بعد از اسلام تا پیش از مغول
۷۸	۲.۲.۴.۱) حکومت‌های متقارن
۸۶	۲.۲.۴.۲) غزنویان
۹۰	۲.۲.۴.۲.۱) تحولات
۹۱	۲.۲.۴.۳) سلجوقیان و خوارزمشاهیان
۱۰۳	۲.۲.۴.۳.۱) تحولات
۱۰۵	فصل سوم: آیین دادرسی مغولی
۱۰۶	۳.۱) یاسا: مجموعه حقوق مغولان
۱۱۲	۳.۱.۱) واژه‌شناسی
۱۱۳	۳.۲) یارغو
۱۱۴	۳.۳) ساختار حقوقی و مناصب قضایی
۱۲۰	۳.۴) آیین دادرسی مغولان
۱۲۰	۳.۴.۱) مطالعه موردی نخست: محاکمه نخست گرگوز

۱۲۵	۳.۴.۲) مطالعه موردی دوم؛ محاکمه دوم گرگوز
۱۲۸	۳.۴.۳) مطالعه موردی سوم: محاکمات مربوط به تدارک توطئه علیه منکو قآن توسط جمعی از امرا و شاهزادگان
۱۳۲	۳.۴.۴) مطالعه موردی چهارم: ادعای رهبان ترک نزد اوکتای و برخورد قآن با او در جریان شبیه یارغو
۱۳۷	فصل چهارم: تقابل و ناهمسازی ساخت قضایی ایرانی - اسلامی و مغولی
۱۳۸	۴.۱) شباهت‌ها
۱۳۹	۴.۲) تفاوت‌ها
۱۴۱	۴.۲.۱) تفاوت در مبانی فکری
۱۴۲	۴.۲.۲) تفاوت در اهداف
۱۴۳	۴.۲.۳) تفاوت در نحوه دادرسی
۱۴۴	۴.۳) تفسیر و جمع‌بندی
۱۵۰	فصل پنجم: اصلاح قضایی
۱۵۱	۵.۱) مفهوم اصلاح قضایی
۱۵۱	۵.۲) الگوی اصلاحات قضایی دوران غازان
۱۵۳	۵.۳) زمینه‌های ضروری اصلاحات
۱۵۳	۵.۳.۱) گسست در سنت دادرسی ایرانی - اسلامی
۱۵۷	۵.۳.۲) نارسایی‌های یاسای مغولی
۱۵۹	۵.۴) روند اصلاحی قضایی
۱۶۰	۵.۴.۱) فرمان‌های غازانی
۱۶۳	۵.۴.۲) شرع، مبنای حقوق و دادرسی

۱۶۳	۵.۴.۳) ترقی جایگاه قضاوت
۱۶۴	۵.۴.۴) اصلاح تسجیل اسناد قضایی
۱۶۵	۵.۵) تفسیر و بررسی
۱۶۷	پیوست: سواد یرلیغ در باب تفویض قضا
۱۶۹	منابع و مآخذ

پیشگفتار

آیین دادرسی یکی از بنیادی‌ترین مباحث حقوقی است که از طریق آن قوانین و قواعد حقوقی اجرایی می‌شوند. وضع کامل‌ترین و عادلانه‌ترین قوانین در صورتی که قوانین مذکور طی فرآیندی به اجرا درنیایند، حاصلی جز بر جای ماندن قوانین و قواعدی متروک نخواهد داشت. این پژوهش به بررسی «آیین دادرسی و تحولات آن در دوره ایلخانیان (حک: ۶۵۴ تا ۷۵۰ ه.ق.، ۱۲۵۶ تا ۱۳۳۵ میلادی)» می‌پردازد. آیینی که با توجه به ساخت و بنیان‌های آن دارای ماهیتی تلفیقی از آیین دادرسی اسلامی - ایرانی و مغولی است. دو نظامی که بی‌شک کفه تضادها و تفاوت‌هایشان سنگین‌تر از همسازی‌ها و شباهت‌هایشان است. برخورداری از جایگاه تفوق حاکمیتی از سوی نظام قضایی مغولی در دوره مدت مدیدی از دوره ایلخانی و در مقابل آن تفوق فکری، بنیانی و ساختاری از سوی نظام قضایی ایرانی - اسلامی که به مرور خود را بر نظام متفوق تحمیل کرد، و البته تاثیر و تاثر و برهم‌نهی این دو نظام، کار بررسی نظام تلفیقی حاصل را دشوار می‌کند. نظامی که ناکارآمدی آن سبب صدور یرلیغ‌های غازانی در باب اصلاح قضایی شد و نقطه عطفی را در آیین دادرسی ایرانی - اسلامی رقم زد. برای شناخت و تحلیل دقیق این روندها شناسایی بن‌مایه‌ها و شالوده‌های نظامی قضایی ایرانی - اسلامی و مغولی ضروری است. آیین دادرسی اسلام - ایرانی، خود متأثر از برهم‌نهی آیین دادرسی ایران دوره باستان و آیین دادرسی اسلامی بود. آیین دادرسی اسلامی که حیات مستقل خویش را در دوره پیامبر مکرم اسلام (ص) آغاز نموده، در دوره خلفای راشدین وارد مرحله نهادسازی شده و در دوره خلفای اموی تاثیرپذیری خویش از نظام قضایی تمدن‌های پیرامونی یعنی، ایران و روم را آغاز کرده بود، به دلایل گوناگون میزان تاثیرپذیری‌اش از نظام قضایی ایرانی آشکارا بر سایر تاثیرپذیری‌هایش سایه انداخت و با تاسیس خلافت عباسی و ورود موثر دیوانسالاران ایرانی در بساختن نظام حکومتی، ساخت قضایی مذکور به شدت ملهم از نظام قضایی ایران دوره باستان گشت. برآمدن مشاغلی نظیر «قاضی‌القضات» که به زعم بسیاری از پژوهشگران به عاریت گرفته شده از منصب «موید موبدان» در رأس نظام قضایی دوره ساسانی بود، از مصادیق روشن این الگوگیری بود. فرآیندی که با تاسیس حکومت‌های نیمه مستقل و مستقل ایرانی از اوایل قرن سوم هجری وارد مرحله نوینی شد. آزادسازی زندانیان در جشن‌ها و مناسبت‌هایی که ریشه در ایران باستان داشت به همراه آدابی که در این‌گونه مراسم جاری می‌شد یادآور آیین‌های ایران باستان بود. نقش محوری

قضات مسلمان در محاکم شرع نیز از نشانه‌های تداوم روند تکوین نظامی قضایی بود که به نظر می‌رسید از حیث اصول و بنیان‌ها ریشه در نظام قضایی اسلامی و از لحاظ ساخت و رویکردهای دیوانسالارانه نگاه به میراث دیوانسالاری ایرانی داشت. تأکیدات موجود در منابع تاریخی و اندرزنامه‌ها در توصیف رویکردهای قضایی پادشاهان ایران باستان، حتی برخی خلفای عباسی را نیز ناگزیر می‌ساخت که خود را در محک پادشاهان مذکور بسنجند و این موید وجود تداومی بود که از سویی ریشه در دیوانسالاری قضایی ایران باستان و از سوی دیگر ریشه در اندیشه‌ها و بنیان‌های قضایی اسلام داشت. در این فضا با ورود ترکان در رأس نظام‌های حکومتی ایران برخی تغییرات در نظام قضایی ایرانی - اسلامی پدید آمد که البته آن نیز عمدتاً در چارچوب ملاحظات حکومتی و رقابت‌ها بر سر قدرت و البته عمدتاً در معبر اندیشه‌ها و تدبیرهای دیوانسالارانی بود که شاخص‌ترین ایشان خواجه نظام‌الملک طوسی بوده است. برکشیدن منصب «قاضی‌القضات» شافعی‌مذهب در برابر «قاضی‌القضات» حنفی‌مذهب مورد حمایت خلیفه را می‌توان از مصادیق تحولات نظام قضایی در دوره سلجوقی در رأس قدرت محسوب کرد. اما به هر روی تغییر ماهوی و بنیانی در سیر حیات نظام قضایی ایرانی - اسلامی از دوره طاهریان به منزله نخستین سلسله‌ای که علم استقلال برافراشت تا خوارزمشاهیان که در برابر حمله مغول فرو ریخت، دیده نمی‌شد. اما به یکباره با حمله مغولان، نظامی بیگانه با شالوده‌ها و اصولی متفاوت و در بسیاری موارد متناقض در برابر نظام قضایی و آیین دادرسی اسلامی - ایرانی قرار گرفت و حیات متداوم آن را با گسستی جدی مواجه کرد. در چنین فضایی غازان خان یرلیغ‌هایی در باب اصلاحات قضایی صادر کرد که می‌توان آن‌ها را زمینه‌ساز بازگشت شرع اسلام به آیین دادرسی در ایران دوره مغول و همچنین احیای جایگاه قضات در الگویی مشابه نظام قضایی ایرانی - اسلامی برشمرد. فرآیندی که به موازات استحاله حکام مغولی در جامعه ایران روند کمرنگ شدن بن‌مایه‌های آیین دادرسی مغولی در نظام تلفیقی پدیدآمده را نیز کلید زد. و هر چند با صدور حکم برافتادن یاسا از نظام قضایی در دوره شاهرخ تیموری وارد مرحله جدیدی شد اما هیچ‌گاه به محو تمامی بن‌مایه‌های مذکور در نظام قضایی دوران بعد از مغول در ایران منتهی نشد.

فصل اول

کلیات

۱.۱) موضوع تحقیق

آیین دادرسی یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مباحث حقوقی است. مجرای که از طریق آن قوانین و قواعد حقوقی اجرایی می‌شوند. هر دولت و حکومتی می‌تواند کامل‌ترین و عادلانه‌ترین قوانین را تدوین و تصویب کند، عالم‌ترین و نخبه‌ترین افراد جامعه را استخدام کند تا بهترین قوانین و مقررات را در تمام زمینه‌ها اعم از سیاسی، اقتصادی، مدنی، مذهبی، اجتماعی و غیره همسو با اهداف حاکمیت به صورت کتاب‌های قانون درآورند، اما تمام این قواعد و قوانین بدون وجود آیین دادرسی تنها به قوانینی متروک بدل خواهند شد. آیین دادرسی به مثابه طریق و وسیله است، طریقی که اگر درست به کار گرفته شود می‌تواند خشن‌ترین و ناعادلانه‌ترین قوانین را با قاطعیت به اجرا درآورد و یا برعکس کاربست ناقص آن مانع اجرای منصفانه‌ترین و آرمان‌گرایانه‌ترین قوانین شود. چه بسا تعصب در اجرای آیین دادرسی به نحو شایسته و عدالت‌محور، قانونی ظالمانه را در چشم همگان به قانونی منصفانه تبدیل کند.

آیین دادرسی اسلامی - ایرانی، آیینی شرعی بود که همانند دوره باستان در دوره اسلامی نیز دیوانی^۱ بدان اختصاص یافته بود، دیوانی که در دیوانسالاری^۲ دوره اسلامی بدون تردید ملهم و متأثر

^۱ ماوردی دیوان را نهادی دانسته است که برای حفظ حقوق حکومت، اعم از اعمال و اموال و نیز حقوق متولیان حکومت یعنی سپاهیان و کارگزار بنیاد شده است. (فرهمن‌دپور؛ خضری و فرخنده‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۸۱، ۸۲) در مورد ریشه و معنای واژه دیوان تعاریف مختلفی وجود دارد از جمله: «این لفظ به قول بعضی مأخوذ از دیو است، چون پارسیان این عمل را به دیو نسبت داده‌اند، دفاتر را دیوان نامیده‌اند. در شاهنامه آمده است طهمورث نوشتن را از دیوان بیاموخت: چون آزادشان شد سر از بند او بگستند ناچار پیوند او نبستن به خسرو بیاموختند دلش را به دانش برافروختند. (جعفری و درّی، ۱۳۸۵: ۷۷-۶۴)» فرای نیز در این باره گفته است: «واژه دیوان که گویا ریشه فارسی دارد و از فارسی میانه به ارمنی و سریانی راه یافته است؛ نخست برای سوابق و مدارک مالی به کار می‌رفته و سپس به امور اداری نیز تعمیم یافته است و به مفهوم یک محل دفتر و نه دستگاه وزارتتی اطلاق شده است» (فرای، ۱۳۶۳: ۱۲۲)

^۲ مفهوم دیوانسالاری پیشینه‌ای دیرینه دارد که در ایران دست‌کم به دوره هخامنشی می‌رسد البته این واژه دقیقاً متون تاریخی ایران مورد استعمال قرار نگرفته است اما واژه‌های دیوان و تشکیلات دیوانی بارها در متون کهن تاریخ ایران و البته تاریخ اسلام به کار رفته است. باید توجه داشت که واژه دیوان و مفهومی که امروزه از آن مدنظر است با مفهوم آثار کلاسیک متفاوت است. امروزه اصطلاح دیوانسالاری مترادف واژه بوروکراسی (Bureaucracy) است. اصطلاحی که ساخته عصر مدرن است و پیشینه‌ای بیش از دو قرن برای

از دیوانسالاری ایرانی بود.^۱ آیین دادرسی‌ای که از سویی تحت تاثیر فلسفه دادرسی اسلامی مبتنی بر تحقق عدالت بر اساس سنت پیامبر و آموزه‌های قرآنی بود و از سوی دیگر در چارچوب نظام قضایی به جای مانده از دوران ساسانی که در خلافت اسلامی در قالب دیوان^۲ مظالم به کار گرفته شده و به

آن متصور نیست. اصطلاحی که برای نخستین بار ماکس وبر به تعریف و تبیین جامعی از آن دست زد. در عمل مبنای بوروکراسی مدرن که متأثر از نگاه وبر بوده است بر نوعی ساختار استوار است که ویژگی‌های آن عبارتند از تقسیم کار، سلسله مراتب سازمانی تعریف شده، حاکم بودن ضوابط بر روابط، جلوگیری از اعمال سلیقه‌های شخصی، انتصاب بر اساس شایستگی، برقراری نظام پیشرفت شغلی برای کارکنان و جدایی صاحبان سازمان‌ها از اداره آن‌ها. در واقع بوروکراسی وبر نوعی نظام عقلایی - قانونی و مطلوب است، نظامی که بر اساس منطق و بر پایه مشروعیت باید نهاد شود. طبعاً این تعاریف و مشخصه‌ها با مفهوم و عینیت دیوانسالاری در گذشته تاریخی ایران (باستان و اسلام) به مثابه یکی از خاستگاه‌ها و کانون‌های اصلی دیوانسالاری در جهان در عین شباهت، تفاوت‌های عمده نیز دارد.

^۱ تردیدی وجود ندارد که سابقه بکارگیری دیوان‌ها برای اعمال حاکمیت و نظارت در ایران دستکم به دوره هخامنشی می‌رسد دیوانسالاری دوره ساسانی به نظام غالب در کنترل و اداره امپراتوری تبدیل شد و شکلی هنجارمند به خود گرفت و به ساختار و نفوذی دست یافت که سال‌ها پس از سقوط ساسانیان نیز به حیات خویش ادامه یافت و مورد بهره برداری امویان و سپس عباسیان قرار گرفت. در مورد دیوانسالاری ایرانی می‌توان گفت که محصول انباشت تجارب حاکمیتی پیوسته در ایران است که تداوم تاریخی آن دستکم تا ابتدای حاکمیت هخامنشی محرز است. تجاربی که در انتقال حاکمیت‌ها در پهنه فلات ایران از هخامنشی به سلوکی و سپس اشکانی و در ادامه ساسانی، به رغم تفاوت رویکردها و باورها و اولویت‌ها در یک تداوم و رشته متصل، کلیتی پیوسته و پویا را به نمایش گذاشته است و پس از سقوط سلسله ساسانی نیز توسط نخبگان ایرانی در دستگاه خلافت عباسی در سطوح گوناگون، که خاندان برمکیان از نمونه‌های شاخص آن هستند، در خلافت اسلامی نهادینه و به کار بسته شده است. طبیعی است که این الگوی تاریخی و زنده در حاکمیت‌های ایرانی در دوران پس از اسلام به شکل آگاهانه و یا ناآگاهانه در قالب تداوم الگوها و مشی‌ها دنبال شده و طبعاً در حاکمیت‌هایی نظیر سلجوقیان که در قامت امپراتوری ظاهر شده‌اند تجلی و تبلوری جدی داشته است. متفکرانی نظیر سیدجواد طباطبایی، خواجه نظام‌الملک طوسی را از نظریه‌پردازان حاکمیت ایران شهری که تبلور آن‌را در ساختار دیوانسالاری ایرانی می‌توان به تماشا نشست، برمی‌شمارند و کتاب سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک را شاهد این مدعا می‌خوانند. در حالی که منتقدان این نظرگاه، از جمله داود فیرحی به چنین نگاهی در نظایر خواجه نظام‌الملک نسبت به حاکمیت و دیوانسالاری ایران شهری قائل نیستند. اما در این‌که دیوانسالاری ایرانی به مثابه جلوه‌گاه حاکمیت ایران شهری در طول تاریخ حیات ایران به مثابه یک کلیت یکپارچه با تمام فراز و فرودهایش تداوم داشته است تردیدی نمی‌توان روا داشت.

مرور در چارچوب محاکم شرع و عرف مجزا گشته و محاکم حاکمیتی را از محاکم دعاوی مدنی جدا ساخته بود، جاری و ساری بود. نظام قضایی که هر چند رأس آن در دست فرمانروایان قرار داشت اما به دلیل جایگاه مشروعیت بخش قاضیان مسلمان که بر اساس قرآن و سنت و اجتهاد به صدور حکم می پرداختند، با نهاد دین نیز تلفیقی محکم داشت. در حالی که فلسفه آیین دادرسی مغولان را می توان بر اساس ضروریات زندگی بیابان گردی و اجتماع قبایلی تبیین کرد. از لحاظ تکاملی نظام دادرسی اسلامی آمیزه ای از دیوان سالاری ایرانی و نظام شرعی اسلامی بود که در طول زمان با توجه به ضروریات جوامع شهری و ورود بازیگران جدید از جمله حاکمان ترک زبان، تطوراتی را تجربه کرده بود اما نظام دادرسی مغولی مبتنی بر یاسای چنگیزی و ملهم از سنت قضاوت قبایلی طوایف مغول بود که در محاکمی شورایی با حضور افرادی منصوب خان به صدور رأی می پرداخت که سنجیتی با تجربه قضاوت در نظام دادرسی مدنی ایرانی - اسلامی نداشت. در آیین دادرسی مغولان یک نوع محکمه بیشتر وجود نداشت در حالی که محاکم در آیین دادرسی ایرانی اسلامی به محاکم شرع و عرف تقسیم می شد. تفاوت در مبانی، اهداف و کارکردها و مجریان این دو نظام، ناهماهنگی و ناسازگاری در نظام قضایی این دوره به وجود آورد، تضادی که در فصل چهار این تحقیق به طور اخص بدان پرداخته شده است.

این پژوهش در صدد بررسی این مسئله است که در جریان رویارویی دو آیین دادرسی مغولی و ایرانی - اسلامی و اصلاحاتی که پیامد ضروری آن بوده، الگو و آیین دادرسی که در نهایت پس از اصلاحات مستقر شد، بیشتر از آیین دادرسی ایرانی - اسلامی متأثر بود یا آیین دادرسی مغولی.

با توجه به موضوع این تحقیق که «آیین دادرسی و تحولات آن در دوره ایلخانیان (حک: ۶۵۴ تا ۷۵۰ ه.ق.، ۱۲۵۶ تا ۱۳۳۵ میلادی) است، ابتدا به ترتیب دو الگوی قضایی ایرانی - اسلامی و مغولی هر یک به طور جداگانه بررسی می شود. از آن جا که این دو نظام دادرسی پس از ورود مغولان به ایران با هم مواجه می شوند، در ادامه به نقاط تضاد و برخوردی که ناشی از تفاوت در مبانی، کارکردها و اهداف این دو نظام است، پرداخته می شود و در نهایت اصلاحاتی که این تضاد و رویارویی آن را ناگزیر می سازد، بررسی می شود.

۱.۲) سؤال‌های پژوهش

- ۱- آیین دادرسی ایرانیان و مغولان در دوره پیش از ورود مغولان به ایران چگونه بود؟
- ۲- زمینه‌های تزاخم و تضاد بین دو آیین دادرسی ایرانی - اسلامی و مغولان و پیامدهای آن چه بود؟
- ۳- اصلاحات قضایی در زمینه دادرسی چه الگوی نهایی را در ایران مستقر کرد؟

۱.۳) فرضیه‌های پژوهش

الف: آیین دادرسی ایرانی اسلامی به وسیله قضاتی که توسط قاضی القضاة منصوب خلیفه یا سلطان تعیین می‌شدند به اجرا در می‌آمد. در این نظام که مبتنی بر یک دیوان‌سالاری دارای ریشه‌های ایران باستانی بود قضاات خود را مکلف به صدور حکم بر اساس آموزه‌های اسلامی می‌دانستند. نظام قضایی مغولان ریشه در سنن بیابان‌گردی و کوچ‌نشینی طوایف مغول داشت و ملهم از آموزه‌های شمنی آن‌ها بود. نظام قضایی مذکور در دوره چنگیز با عنایت به ضروریات یک سامانه‌ی نظامی و مبتنی بر یاسا، جنبه‌های خشن‌تری از آن‌چه در بیابان‌ها رایج بود نیز یافت که در برخورد با رعایای جدید خان مغول به دلیل تضادهای فکری و فرهنگی مشکلات زیادی را موجب شد.

ب: فلسفه دادرسی اسلامی مبتنی بر تحقق عدالت بر اساس سنت پیامبر و آموزه‌های قرآنی است. در حالی که فلسفه آیین دادرسی مغولان را می‌توان بر اساس ضروریات زندگی بیابان‌گردی و اجتماع قبایلی تبیین کرد. از لحاظ تکاملی، نظام دادرسی اسلامی آمیزه‌ای از دیوان‌سالاری ایرانی و نظام شرعی اسلامی بود که در طول زمان با توجه به ضروریات جوامع شهری و ورود بازیگران جدید از جمله حاکمان ترک‌زبان، تطوراتی را تجربه کرده بود اما نظام دادرسی مغولی مبتنی بر یاسای چنگیزی و ملهم از سنت قضاوت قبایلی طوایف مغول بود که در محاکمی شورایی با حضور افرادی منصوب خان به صدور رأی می‌پرداخت که سنخیتی با تجربه قضاوت در سیستم دادرسی مدنی ایرانی - اسلامی نداشت. در نتیجه‌ی این تفاوت‌ها و تضادها، ناهماهنگی و ناسازگاری در نظام قضایی به وجود آمد که انجام اصلاحاتی را ناگزیر ساخت.

ج: پس از انجام اصلاحات ضروری برگرفته از تجارب دیوان‌سالاری ایرانی - اسلامی و متأثر از سنت قضایی مغولی و البته معطوف به پاسخگویی به ضروریاتی که در جامعه تحت سلطه ایلخانان به شکلی روزافزون خودنمایی می‌کرد، نظام قضایی جدیدی در دوره متاخر ایلخانی ایجاد شد.

۱.۴) روش تحقیق

محور این پژوهش بر شناسایی، استخراج و گردآوری داده‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین مبنا در پژوهش‌های تاریخی است. این پژوهش در زمره تحقیقات توصیفی - تحلیلی قرار می‌گیرد که در آن رویکرد پژوهشی به شناسایی حوزه‌های دانش و یا توسعه زیرساخت‌های رشته تاریخ از منظری بین رشته‌ای با تکیه بر مبانی علم حقوق استوار است.

اطلاعات مورد نظر به شیوه آرشیوی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و در ادامه تلاش شده است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته شود.

در روش توصیفی، تلاش می‌شود آیین دادرسی در دوره مغولی و ایلخانی از خلال منابع دست اول این دوره استخراج شده و تصویری نزدیک به واقعیت از آیین دادرسی دوره مذکور بازسازی شود. سپس با بررسی مولفه‌های موثر در تطور آیین دادرسی دوره ایلخانی و مقایسه آن با آیین دادرسی ایرانی - اسلامی به تحلیل سیر تحول نظام قضایی دوره ایلخانی پرداخته می‌شود و با روش بررسی تطبیقی برای یافتن پاسخ به چرایی برآمدن نظام قضایی جدید در دوره ایلخانیان اقدام می‌شود.

۱.۵) اهمیت پژوهش

۱- اهمیت موضوع این تحقیق از آن‌جا ناشی می‌شود که سرزمینی با حکومت و فرهنگ اسلامی مورد تهاجم مردمانی قرار گرفت که از لحاظ مذهبی و فرهنگی و به عبارت دقیق‌تر در عمده وجوه زندگی بیگانه محسوب می‌شدند و تضادهای گسترده و ریشه‌داری در شکل و شالوده زندگی مردم دو سرزمین وجود داشت. می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که مغولان در آن تغییراتی ایجاد کردند نظام حقوقی ایران بود که تا قرن‌ها تداوم یافت.

۲- فهم پیشینه و الگوهای اصلاحات در نظام قضایی ایران که در تحقیقات مختلف معمولاً سابقه‌ی آن‌را به ایام متقدم‌تر از اواخر دوره قاجار و پهلوی اول نمی‌رسانند.

۳- آگاهی یافتن از نظام دادرسی ایران در عصر تاریخی مورد بحث، و بررسی تاثیرات و تاثرات نظام حقوقی مغولان و نظام حقوقی ایرانی - اسلامی.

۴- شناسایی وجوه متأثر از سنت مغولی آیین دادرسی ایرانی - اسلامی که جنبه‌هایی از آن می‌تواند تا عصر حاضر ادامه یافته باشد و به ویژه در ادوار تاریخی ایران پس از ایلخانان موثر و جریان‌ساز ظاهر شده باشد.

۱.۶ ضرورت پژوهش

نظام حقوقی ایران در بسیاری از ادوار مهم نظیر صفویه، قاجاریه و پهلوی مورد پژوهش قرار گرفته است اما ادبیات پژوهشی در حوزه نظام حقوقی ایران دوره اسلامی حاکی از آن است که با وجودی که دوره مغول به مثابه یکی از نقاط عطف در سیر نظام قضایی ایرانی ظاهر شده است اما کمتر مورد بررسی‌های علمی قرار گرفته است و نقصان پژوهش‌های علمی در این دوره به منزله خللی مهم در شناسایی پیشینه، سیر و حیات نظام قضایی ایران ظاهر شده است. به ویژه آن‌که داوری‌های سطحی برخی از پژوهشگران در مورد نظام قضایی دوره ایلخانی کماکان تصویر پذیرفته‌شده‌ی آن دوران در محافل علمی محسوب می‌شود. لذا ارائه تصویر و تحلیلی مستند از نظام قضایی دوره ایلخانی جهت شناسایی هر چه بهتر ریشه‌ها و بن‌مایه‌های نظام قضایی فعلی ایران نمایانده می‌شود.

با تحقیق در مورد آیین دادرسی مغولان و ایلخانیان می‌توانیم تأثیراتی که این نظام پس از ورود به ایران بر نظام قضایی ایرانی - اسلامی داشت، بررسی نموده و عناصر باقی مانده از آن که در دوران اصلاحات و توسط غازان به عنوان حاکمی مسلمان در این نظام بر جای ماند را شناسایی کرده و رد پای آن را حتی در نظام قضایی حاکم بر عصر حاضر دنبال کنیم. این رویکرد ما را علاوه بر دستیابی به شناخت بخش مهمی از تاریخ سرزمین خود، به شناسایی و شناخت ریشه‌ها و سوابق قواعد امروز آیین دادرسی ایران نیز رهنمون می‌سازد.

۱.۷ اهداف پژوهش

۱- تبیین دگرگونی‌های آیین دادرسی ایرانی - اسلامی از انسداد و متروک شدن اولیه در بدو استیلای مغولان تا آغاز فرآیند تأثیر و تأثر دو نظام مغولی و ایرانی - اسلامی که نقطه عطف برهم‌نهی دو نظام را می‌توان در دوران حکومت غازان مشاهده کرد.

۲- تبیین الگوی اصلاحات قضایی در آیین دادرسی در دوره مغول که اصلاحات غازانی به منزله تجلی‌گاه آن ظاهر شده است.

۱.۸ قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی، قلمرو ایران است که به صورت تاریخی فلات ایران را دربرمی‌گرفته است. مرزهای ایلخانیان کمابیش بر مرزهای فلات ایران منطبق بوده است. البته باید توجه داشت که پراکندگی مغولان از سویی استپ‌های آسیای مرکزی تا چین و از سوی دیگر تا منتهالیه استپ‌های روسیه و دریای سیاه تا مرداب‌های لهستان را دربرمی‌گرفته و از طرف دیگر تا شامات گسترش یافته بوده است اما با عنایت به اینکه محور در بررسی نظام قضایی مغولان، یاسای چنگیزی است، محدودیت مکانی در بررسی نظام قضایی مغولان به مثابه یک مولفه اثرگذار ظاهر نمی‌شود بنابراین با عنایت به اینکه هدف بررسی تاثیر و تاثرات نظامی قضایی مغولی و ایرانی - اسلامی است، انتخاب فلات ایران به منزله قلمرو مکانی تحقیق کفایت خواهد کرد.

ب) قلمرو زمانی: سده هفتم تا نیمه سده هشتم هجری قمری

ج) قلمرو موضوعی: نظام قضایی ایرانی - اسلامی، نظام قضایی مغولان، تحولاتی که در نظام قضایی ایرانی - اسلامی پس از ورود مغولان به وجود آمد، اصلاحات قضایی که در نتیجه‌ی مواجهه این دو نظام در دوره زمانی مذکور در ایران به وقوع پیوست.

۱.۹ موانع پژوهش

الف: کمبود منابع دست اول که به طور اخص به این موضوع پرداخته باشند از مهم‌ترین موانع و دشواری‌های انجام این پژوهش بوده است و درهم‌آمیزی این منابع محدود با اصطلاحات و واژگان مغولی استفاده از همین منابع را نیز با محدودیت مواجه می‌نمود. تحقیقاتی که در ارتباط با دوران مغول و ایلخانیان نیز صورت گرفته‌اند به صورت محدود و سطحی به موضوع نظام قضایی پرداخته‌اند.

ب: از آنجا که موضوع پژوهش، موضوعی بین‌رشته‌ای است و منابع مربوط به این دوره تنها از منظر تاریخی نگاشته شده‌اند، استخراج و به‌کارگیری داده‌ها بر پایه نگاهی حقوقی، دشوار می‌نمود.

۱.۱۰ رویکرد نظری تحقیق

با توجه به موضوع و اهداف این تحقیق، روش تحلیل تطبیقی و مقایسه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. تعریف کلی در تحلیل تطبیقی، مقایسه میان دو جامعه با یکدیگر است، ولی پژوهش‌های تطبیقی - تاریخی بسیاری را می‌توان دید که مربوط به دو جامعه نیستند؛ بنابراین نمی‌توان روش تحلیل تطبیقی را تنها به روش تحلیل بین دو جامعه و یا بیشتر فرو کاست. تحلیل تطبیقی، در واقع تحلیلی چند سطحی است و این چند سطحی بودن گاهی مطالعه در سطح کلان و گاهی درون نظام‌ها را در بر می‌گیرد.

مواردی که در پژوهش‌های تطبیقی انتخاب می‌شوند از سه ویژگی برخوردارند. اول آن‌که معمولاً پهن‌دامنه هستند و این امر عمدتاً به دلیل پرسش‌های بزرگ به‌کاربرده‌شده در آن‌ها است. دوم این‌که این موارد به لحاظ تاریخی محدودند و معمولاً در میان آن‌ها، موردهای زیادی مورد برای مطالعه وجود ندارد و در آخر اینکه در موردهایی که در پژوهش‌های تطبیقی انتخاب می‌شوند، غالباً ویژگی‌های فرهنگی اهمیت زیادی دارند. که در پژوهش حاضر مصداق پیدا می‌کند.

فردی که با روش تطبیقی کار می‌کند، برای ورود به عمق، نیازمند برخورداری از دانش قابل اعتنایی نسبت به موردی که مطالعه می‌کند، است، لذا پژوهشگر روش تطبیقی باید در زمینه فعالیت خود، به یک تئوری اولیه رسیده باشد. چنانکه در این پژوهش نیز از بدو امر مشخص بود که نظام قضایی یک موجودیت پویا است که در رابطه میان حکام و رعایا، جاده‌ای یک‌طرفه محسوب نمی‌شود و با تمامی تفاوت‌ها در اهداف، مشی و فرهنگ حکام و رعایا، نظام قضایی دیر یا زود به محل تاثیر و تاثر و برهم‌نهی این مولفه‌ها بدل می‌شود، درست همان فرآیندی که در دوره ایلخانیان آنان را ناگزیر از تجدیدنظر در نظام حقوقی مغولی معطوف به کم کردن اصطکاک‌ها در روندهای حیات اجتماعی در ابعاد مختلف آن در جامعه مغلوب نمود.

سه ویژگی همیشگی پژوهش‌های تطبیقی معطوف هستند به پرسش‌های کلان و بزرگ: اولین ویژگی در این زمینه، بحث تحلیل است. دیگری بحث کشف زمان‌بندی فرآیندها است و در آخر، به‌کارگیری مقایسه نظام‌مندی که اساساً خصلت متن‌گرایانه پیدا می‌کند، اهمیت زیادی می‌یابد.

یکی از شیوه‌های پژوهش‌های تطبیقی که از آن گاهی رویکرد و گاهی تکنیک یاد می‌شود، شیوه «مسیر وابسته» است. در این رویکرد، این نکته مطرح می‌شود که پژوهشگر با توجه به عنصر فرآیندی و زمان‌بندی که در کار روش‌شناسی و تحلیل تطبیقی مطرح است، به نوعی باید سیر تحولاتی مورد مطالعه را به صورت زنجیره‌ای مورد توجه قرار دهد. در قالب این زنجیره و در قالب این پیوست است که باید موردها را دنبال کرد که به این پیوست، ساختار تحلیل تبیین «مسیر وابسته» گفته می‌شود. این امر نیازمند پنج شرط است. نخست، شرایطی که خود متن دارد و جایی که پژوهشگر تحلیل خود را از آن‌جا شروع می‌کند. دوم، یافتن لحظه بحرانی، نقطه‌های بزنگاه، نقطه‌ای استراتژیک و بحرانی که پیدا کردن این نقاط کار سختی است. سوم، فشار ساختاری که در نمونه مورد مطالعه تجربه می‌شود. چهارم، زنجیره‌ی واکنش و در نهایت نتیجه‌ای که حاصل می‌شود. شیوه‌ای که در این تحقیق مبتنی بر آن عمل شده است.

۱.۱۱) تعریف مفاهیم

آیین دادرسی: مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور در دادگاه‌ها و برای کشف جرم و تحقیق جرایم و تعقیب مجرمان و نحوه‌ی رسیدگی و صدور رأی و تجدیدنظر و اجرای احکام و تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی وضع شده است. (مواد ۱ قانون آیین دادرسی کیفری و قانون آیین دادرسی مدنی)

حقوق: مجموعه قوانین، قواعد و رسوم لازم‌الاجرای که به منظور استقرار نظم در جوامع انسانی وضع یا شناخته شده است. (فرهنگ فارسی معین)

اصلاح: نظم و ترتیب دادن امور، نظم و نسق دادن امور (لغت‌نامه دهخدا) / برطرف کردن فساد و تباهی از شیء و ایجاد سلامت و بهبودی در آن را اصلاح گویند. از اصلاح در باب‌های زکات، نکاح و قضا سخن گفته شده است. (دانشنامه حوزوی wikifeqh.ir)

اصلاح قضایی: بر اساس تعریف فوق‌الذکر برطرف کردن فساد و تباهی از امور یا نظام قضایی را اصلاح قضایی گویند.